

## An Analysis of the Formation Elements of Communication System in the Safavid Era<sup>1</sup>

- Seyed Nasser Musavi<sup>2</sup>  Majid Naqdi-Ajqaq<sup>3</sup>  Ahmed Olyaei<sup>4</sup> 
2. Assistant Professor, Faculty of History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author). Email: sn.musavi@urd.ac.ir
3. PhD student in Culture and Communication, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.  
Email: Naqdi2020@gmail.com
4. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Research Institute, Qom, Iran.  
Email: Ahmad.olyaei@gmail.com



### Abstract

Since humans formed the society next to other humans, communication was formed and continued in history. Communication studies throughout history can bring many achievements for communication researchers. One of the important historical periods in the history of Iran is the Safavid era. During the Safavid era, when a central and powerful government was formed, we have witnessed fundamental and important changes in all aspects of human and social group life. One of these aspects is the communication system. The communication system during the Safavid era was developed and organized more than other periods. This research aims to examine the elements and components that form and strengthen the communication system during the Safavid era which has been

---

1. **Cite this article:** Musavi, S. N., Naqdi-Ajqaq, M., & Olyaei, A. (1403 AP). An Analysis of the Formation Elements of Communication System in the Safavid era. *Islam and Social Studies*, 11(44), pp. 157-185. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.65943.1991>.

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 09/02/2023 • **Revised:** 07/01/2024 • **Accepted:** 06/04/2024 • **Published online:** 01/06/2024

© The Authors



formulated and studied in communication by using the analytical descriptive method in historical studies under the three main components of the sender, places of communication, the twelve elements including bakers, Chapars (couriers), world travelers, scholars and thinkers, art, language, political communication, city and communication routes, caravanserais, mosques, shrines, and cafés.

### **Keywords**

Islamic Iran, Safavid era, communication, communication system, communication elements.



## بررسی عناصر شکل دهنده نظام ارتباطاتی در زمان صفویه<sup>۱</sup>

سیدناصر موسوی<sup>۲</sup>  مجید نقدی<sup>۳</sup>  احمد اولیایی<sup>۴</sup> 

۲. استادیار، دانشکده تاریخ دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: sn.musavi@urd.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (عج)، قم، ایران.

Email: Naqdi2020@gmail.com

۴. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

Email: Ahmad.olyaei@gmail.com

### چکیده

از زمانی که انسان‌ها در کنار یکدیگر جامعه را تشکیل دادند، ارتباطات شکل گرفت و در تاریخ ادامه یافت. مطالعات ارتباطات در طول تاریخ می‌تواند دستاوردهای زیادی را برای ارتباط‌پژوهان به همراه داشته باشد. یکی از دوره‌های تاریخی مهم در تاریخ ایران، زمان صفویه است. در دوران صفویه که حکومتی مرکزی و قدرت‌مند شکل گرفت شاهد تغییرات بنیادین و مهم در تمام ابعاد حیات جمعی انسانی و اجتماعی هستیم. یکی از این ابعاد، نظام ارتباطات است. نظام ارتباطی در زمان صفویه بیش از دوره‌های دیگر توسعه و نظم یافت. هدف از این تحقیق، بررسی عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده و تقویت کننده نظام ارتباطات در زمان صفویه می‌باشد که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی در حوزه مطالعات تاریخی ذیل سه مؤلفه اصلی فرستنده، مکان‌های ارتباطی، عناصر دوازده گانه شاطران، چاپارها، جهان‌گردان، عالمان و اندیشمندان، هنر، زبان، ارتباطات سیاسی، شهر و راه‌های ارتباطی، کاروان‌سراها، مساجد، زیارتگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، صورت‌بندی و مورد کاوشی ارتباطی قرار گرفته است.

### کلیدواژه‌ها

ایران اسلامی، صفویه، ارتباطات، نظام ارتباطی، عناصر ارتباطی.

۱. **استناد به این مقاله:** موسوی، سیدناصر؛ نقدی، مجید؛ اولیایی، احمد. (۱۴۰۳). بررسی عناصر شکل دهنده نظام ارتباطاتی در عصر صفویه. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱ (۴۴)، صص ۱۵۷-۱۸۵.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.65943.1991>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسنده گان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰



## مقدمه

مطالعه تاریخ دستاوردهای زیادی را به همراه دارد. انسان در طول تاریخ و با عبرت گیری از تاریخ، زندگی اجتماعی خود را ارتقا بخشیده است. این مطالعه اگر با هدفی خاص تر شکل گیرد به مراتب مفیدتر و سازنده تر است. به عبارت دیگر در مطالعه تاریخ باید دو بعد را مشخص کرد؛ یکی دوران تاریخی مورد مطالعه و دیگری منظر نگاه به آن دوره. اهمیت ارتباطات در دنیای امروزی از یک طرف و اهمیت دوران صفویه در میان دوره‌های تاریخی از طرف دیگر سبب شده تا در این تحقیق مطالعه دوران صفویه از منظر نظام ارتباطی مورد توجه واقع شود. بنظر می‌رسد ساختار دولت صفویه به جهت انسجام و قدرت و دوام حکومت می‌تواند دوران قابل مطالعه‌ای در تاریخ در همه ابعاد باشد. این مطالعه می‌تواند وجوه بسیاری را برای ایران امروزی به ارمغان بیاورد. به خصوص زمانی که این مطالعه در مورد ارتباطات یعنی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های زمان امروز باشد. قدرت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صفویان سبب شد آن‌ها در هر موضوعی دارای اتفاقات و مطالب قابل مطالعه‌ای شوند. پرسش اینست که ساختار نظام ارتباطاتی صفویان از چه مؤلفه‌های ارتباطی تشکیل شده بود و عناصر اثرگذار این مؤلفه‌ها کدامند؟ بنظر می‌رسد مطالعه این پس از صفویان می‌تواند آورده‌های بسیاری را داشته باشد.

### ۱. پیشینه

در مورد نظام ارتباطاتی صفویه کار پژوهشی خاصی انجام نشده است. نوآوری این پژوهش در همین نکته است که از مؤلفه‌های حکومت و دولت صفویه به نظام ارتباطاتی آن دست پیدا کرده است؛ اما لازم به ذکر است که در ریزموضوعات این پژوهش مانند شاطران، نظام سیاسی صفویه، هنر در صفویه، کاروان‌سراها، راه‌ها و ... پژوهش‌های زیادی انجام شده که با توجه به زیادی آثار و دوربودن از مقصد این پژوهش نیاز به ذکر آن‌ها نیست.

## ۲. روش تحقیق

این تحقیق درصدد توصیف و تحلیل داده‌های کیفی مرتبط با نظام ارتباطی در جامعه عصر صفوی است. نگارندگان با توجه به اسناد تاریخی و داده‌هایی که به نظام ارتباطی (متناسب با تعریفی که در ادامه می‌آید) را جمع و با نگاه تحلیلی منطبق بر ارتباطات تحلیل می‌کند تا به تحلیل نظام ارتباطی در جامعه عصر صفویه دست یابد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲؛ شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، صص ۱۱-۳۴).

## ۳. صفویان

صفویان به‌عنوان طایفه و سلسله ایرانی و شیعه در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی (برابر ۱۱۳۵-۹۰۷ قمری و ۱۷۲۲-۱۵۰۱ میلادی) حدوداً به مدت ۲۲۱ سال بر ایران فرمان‌روایی کردند. شاه اسماعیل یکم بنیان‌گذار این سلسله در سال ۸۸۰ خورشیدی صفویه را تأسیس کرد و عمر آن در سال ۱۱۰۱ خورشیدی با شکست شاه سلطان حسین از افغان‌ها به پایان رسید (سیوری، ۱۳۷۸، ص ۳). دوره صفویه یکی از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به‌شمار می‌رود؛ چراکه صفویه توانست یک فرمان‌روایی متمرکز در ایران ایجاد کند. این فرمان‌روایی بعد از ۹۰۰ سال از نابودی ساسانیان بود. نکته مهم دولت صفویه، وسعت پوشش و فرمان‌روایی آن‌ها و ایجاد یک پارچگی در ایران بود. برای همین، صفویه را یکی از دوران‌های طلایی تمدن اسلامی می‌نامند (غفاری‌فرد، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۲۲)؛ بنابراین واضح است که پرداختن به هر بعدی از ابعاد این حکومت مقتدر می‌تواند در مطالعه تاریخ سودمند باشد.

## ۴. نظام ارتباطی

نظام به معنای نظم‌دادن، رویه، روش و عادت آمده و در بسیاری از کتب لغت از مفهوم تسبیح برای تعریف نظام بهره برده‌اند. کنار هم قرار گرفتن دانه‌های تسبیح یعنی انتظام و خروجی انتظام، نظام است (فراهیدی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۵۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶؛ جوهری، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۰۴۱).

در بعضی متون علمی، به جای نظام از کلمه سیستم استفاده می‌شود. سیستم، مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۶۵). سیستم، مجموعه‌ای از چند عنصر است که ۱. هریک بر رفتار کل سیستم مؤثرند، ۲. میان آنها وابستگی متقابل وجود دارد و ۳. حتی زیر مجموعه‌های عناصر نیز بر رفتار کل سیستم مؤثرند (Ackof, 2000, p146).

نظام یا سیستم فارغ از دقت‌های لغوی، مجموعه‌ای از عناصر دارای کنش و واکنش‌اند که روابط میان آنها هدفی را برای مجموعه جستجو می‌کند (عبد الرحمن عالم، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). واضح است که هر نظامی از عناصر، مؤلفه‌ها و روابط تشکیل می‌شود؛ بنابراین نظام ارتباطاتی بنا بر تعریف نظام به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها، ابزار، شاخصه‌هایی گفته می‌شود که در مجموع چستی و چگونگی ارتباطات را نشان می‌دهد. در بحث ما وقتی پرسش از نظام ارتباطاتی صفویه می‌شود، یعنی پیام چگونه و از طریق چه مسیری منتقل می‌شد و به عبارت کلی‌تر ارتباطات چگونه شکل می‌گرفت. چه ساختارها، کانال‌ها، اشخاص و ابزاری در تشکیل این نظام مؤثر بوده‌اند.

## ۵. مؤلفه‌های نظام ارتباطاتی در عهد صفویه

پرسش ما این است که نظام ارتباطاتی به معنای یک مجموعه منسجم به هم وابسته و مرتبط از چه مؤلفه‌ها و عناصری تشکیل شده است. آنچه در ابتدای امر قابل توجه است، وجود یک نظام ارتباطی منسجم قابل مطالعه و بررسی از مؤلفه‌های اثرگذار توزیع و انتقال پیام و تعاملات درونی و بیرونی حکومت صفویه می‌باشد. این مؤلفه‌ها را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد؛

۱. مؤلفه‌های مربوط به فرستنده: شاطران، جهان‌گردان، علما و اندیشمندان؛
۲. مؤلفه‌های مربوط به ابزار و کانال: زبان، هنر، چاپارها، ارتباطات سیاسی،
۳. مؤلفه‌های مربوط به مکان: شهر و راه‌های ارتباطی، کاروان‌سراها، مساجد، زیارتگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها.

این مؤلفه‌ها ممکن است ماهیتی ارتباطی داشته یا در چرخه نظام ارتباطی دوره صفویه معنا داشته باشد. مهم این است که همه مؤلفه‌ها به تکمیل این نظام کمک کرده باشند. عناصر متعددی در این نظام مؤثر بوده که به آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود.

## ۵-۱. عناصر ارتباطی مرتبط با فرستنده

### ۵-۱-۱. شاطران

شاطران، مامورین چابک و تندرویی بودند که با پای پیاده ماموریت‌هایی را که مستلزم طی مسافتی طولانی و عبور از راه‌های سخت بود، انجام می‌دادند. کسی که داوطلب انجام آزمایش بود، مدتی زیر نظر استاد فن به دویدن می‌پرداخت و هنگامی که آماده می‌شد، جریان امر به عرض پادشاه می‌رسید و دستور شاهانه برای اجرای مراسم جشن انتخاب شاطر صادر می‌شد. هر بار که شاطر به شهر وارد و از آن خارج می‌شد، مردم او را با فریادهای تشویق آمیز مورد استقبال قرار می‌دادند و در هر مراجعت، عده‌ای از رجال و بزرگان تا مسافتی با او سواره راه می‌پیمودند. حرفه شاطری به سبب اهمیت برقراری ارتباطات میان بعد مسافت چه در زمان صلح و یا در هنگام جنگ ارزش و اهمیت فوق‌العاده داشته است (محسنیان راد، ۱۳۹۶، ص ۷۸).

شاطر خود به تنهایی یکی از اصلی‌ترین پیام‌رسان‌ها بوده است. در زمانی که رسانه‌های جمعی وجود نداشت و عموماً ارتباطات به صورت چهره به چهره تشکیل می‌شود و پیام‌ها از مکالمات شفاهی منتقل می‌گشت، این شاطران بودند که در اسرع وقت و با دقت، پیام‌ها را به مخاطب منتقل می‌کردند. هرچند شاطری، مختص و تولید عصر صفویان نیست؛ اما در صفویه رونق داشت.

جملی کارری<sup>۱</sup>، سیاح ایتالیایی که در آغاز سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران سفر کرده بود، وقتی در مرکز ایران در حال سفر بوده با یکی از شاطرها برخورد و مشاهدات

1. Gemelli Careri

خود را چنین توصیف کرده است: هنگام صبح با پیک پیاده‌ای برخوردیم که از اصفهان می‌آمد و شش زنگوله کوچک دور کمرش بسته بود تا هم با شنیدن صدای آنها کسی مانع راهش نشود و هم خودش را ضمن راه، خواب نگیرد. می‌گفتند پیک‌های شاهزادگان نسبت به اهمیت مقام شان تا دوازده زنگوله را به کمر می‌بستند (محسین‌راد، ۱۳۹۶، ص ۸۹). شاطران را می‌توان یک نهاد خبررسانی در دولت صفویه دانست. شاطران اخبار را با زیرکی خاصی که شاید در اصول خبرنگاری و خبرنگاری کنونی نیز بروز شده است، به مقاصد خود می‌رساندند.

#### ۵-۱-۲. عالمان و دانشمندان

یکی دیگر از ابعاد تأثیرگذار در ساختار نظام ارتباطی عهد صفوی، تأسیس و گسترش نهادهای علمی و ارتباطات اندیشمندان و علمای ایران با نهادها و سازمان‌های علمی برخی از کشورها می‌باشد. البته نهاد علمی یا اندیشمندان ماهیتاً یک عنصر ارتباطاتی نیستند؛ اما می‌توانند به مثابه کانال پیام، انتقال پیام را بر عهده بگیرند و بستر تقویت نظام ارتباطاتی را آماده‌تر کنند. در دوره صفویه اساساً نهاد علم توسعه پیدا کرد، تعداد طلاب علوم دینی افزایش پیدا کرد، علمایی مانند: شیخ بهایی، میرداماد، مجلسی و... ظهور و بروز داشتند و به‌طور کل، ایران مکانی برای مبادله افکار و تعاملات اندیشه‌ای شده بود (علی بابایی، ۱۳۸۸، ص ۳). چنین فضایی مهاجرت علما به ایران به‌خصوص از جبل عامل را نیز تسهیل و تشدید کرده بود (فراهانی منفرد، ۱۳۹۵، ص ۳۰). همین مهاجرت خود حاوی پیام‌های متعددی بود. یک پیام در متن ماجرا و آن، تقویت علم در ایران بود و پیام‌های دیگر که توسط گفتگوهای علمای به ایران آمده با علمای ایران تولید می‌شد. دیگر فعالیت ارتباطاتی دانشمندان، تربیت شاگرد بود که خود، انتقال معارف دینی را از کانال استاد به شاگرد میسر می‌ساخت. به‌عنوان مثال محقق کرکی یکی از علمایی بود که به ایران آمد و نزدیک به ۴۰۰ شاگرد داشت (حسینی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۶).



### ۵-۱-۳. جهانگردان (سفرنامه‌ها)

از ابتدای سفر تا انتهای آن که هر دو به محل اصلی جهانگرد ختم می‌شود، نوعی تعامل بین گردشگر و سایر افرادی که طی سفر در خدمت او خواهند بود، برقرار می‌شود. این تعامل بین فردی را می‌توان ارتباطات انسانی نامید که دائماً روی جهانگردان از طرف میزبانان در حال تأثیر گذاری است (کروبی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵).

جهانگردی در عصر صفویه رونق بسیاری داشت و همین امر به تولید سفرنامه‌های متعددی نیز منجر شده بود. به‌طور کلی جهانگری و سفرنامه دو مقوله مرتبط به هم بود که در کنار یکدیگر، مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های مؤثر در نظام ارتباطی عصر صفویه را تشکیل می‌دادند. در این عصر، ذیل گسترش ارتباطات بین‌المللی صفویان زمینه جهانگردی در ایران فراهم شد. حاصل این ایرانگردی‌ها سفرنامه‌های متعددی از جمله سفرنامه آمبروسو کنتارینی (۱۴۷۳م)، سفرنامه جوزا فابارو (۱۴۳۶م)، سفرنامه کاترینو زنو (حدود ۱۴۷۵م)، سفرنامه جوان ماریا آنجوللو (حدود ۱۵۰۰م)، سفرنامه بازرگان ونیز در ایران (حدود ۱۵۱۰م)، سفرنامه وینچنتو دالساندری (حدود ۱۵۲۰م)، سفرنامه برادران شرلی (۱۹۵۸م)، ایتپرسیکوم (سفرنامه ژرژ تکتاندرفن در یابل، ۱۶۰۵م)، سفرنامه دن گارسیا (۱۶۱۴م)، سفرنامه پیتر و دلاواله (۱۶۱۷م)، سفرنامه کاتف (۱۶۲۳م)، سفرنامه استودارت (۱۶۲۶م)، سفرنامه یان اسمیت (۱۶۲۸م)، سفرنامه تاورنیه (۱۶۳۲م)، سفرنامه آدام اولثاریوس (۱۶۳۴م)، سیاحت‌نامه شاردن (۱۶۶۴م)، زیبایی‌های ایران (سفرنامه آندره دولیه دلد، ۱۶۶۴م)، سفرنامه سانسون (۱۶۸۳م)، سفرنامه کمپفر (۱۶۸۳م)، سفرنامه کاری (۱۶۳۹م)، گزارش سفیر کشور پرتغال (۱۶۹۳م)، سفیر زیبا (۱۷۰۶م)، سفرنامه کروسینسکی (۱۷۰۷م) و سفارت‌نامه احمد دری (حدود ۱۷۱۳م) بود (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

شاردن می‌نویسد: «به‌رغم آن‌چه گفتم، در تمام جهان کشوری مانند ایران برای سیاحت و جهان‌گردی وجود ندارد، خواه از لحاظ قِلت خطرات یا امنیت طُرُق که مواظبت دقیقی در این مورد به عمل می‌آید و خواه از نظر کمی مخارج که معلول کثرت و تعداد عمارت عمومی مخصوص مسافران در سرتاسر امپراتوری، در بلاد و

بیابان است. آنها در این عمارت به رایگان سکونت اختیار می کنند، به علاوه در نقاط صعب العبور پل ها و جاده های مسطحی (شوسه) وجود دارد که برای کاروانی ها و کلیه کسانی که برای کسب نفع در حرکت هستند تعبیه شده است» (شاردن، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۱۷۰). این سفرها و سفرنامه ها به مثابه یک گزارش توصیفی، پیام صلح، زیبایی، امنیت، پیشرفت و ... را از ایران به جهانیان مخابره می کرد و در تاریخ ثبت می نمود. افزون بر آن ارتباطات میان فرهنگی در دل این جهانگردی ها نهفته بود که خود، نظام ارتباطاتی عهد صفویه را تقویت می کرد.

## ۵-۲. عناصر ارتباطی مرتبط با ابزار و کانال

### ۵-۲-۱. زبان

زبان اولین وسیله ارتباطات کلامی بوده که ارتباطات میان فردی را آغاز می کند. رابطه زبان و ارتباطات آن قدر قوی و پیچیده است که زبان شناسان زیادی مانند سوسور<sup>۱</sup> بیشتر پژوهش های خود را در باب این رابطه انجام داده اند. زبان اساساً مبنای ارتباط و ارتباطات شفاهی مهم ترین دسته ارتباطات هستند. انسان به وسیله زبان ارتباط می گیرد و انسان مقابل خود را می شناسد. این زبان است که به انسان قدرت می دهد تا بنیان های پیشرفت و تمدن را پایه ریزی کرده و جامعه را بسازد. اساساً قوه گفتار، نقطه ممیزه انسان و دیگر جانداران است (لایتون، ۱۳۸۸، ص ۹). زبان، پایه گفتار به عنوان روش نخست ارتباط انسانی است. دومین شیوه ارتباط، زبان نوشتاری است که عبارت از ثبت تصویر گفتار است، زبان نوشتاری، آموزش حفظ میراث فرهنگی را تحصیل می کند. سومین روش، زبان جسمانی<sup>۲</sup> است که از ادب عامیانه گرفته شده و به معنای برقراری ارتباط با حرکات دست و صورت و به طور کلی با ایما و اشاره است (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۶۰). زبان از آن جهت که ارتباطات مستقیم و رودررو را رقم می زند و برای طرفین گفتگو در انتقال اندیشه

1. Ferdinand de Saussure

2. Body language

نقش دارد (معمد نژاد، ۱۳۷۱، ص ۷۱)، مهم‌ترین عامل ارتباط خواهد بود. زبان فارسی در دولت صفوی توسط شاه عباس زبان رسمی شد (غفاری فرد، ۱۳۸۱، ص ۵۲) و در سراسر ایران از ارج و قرب برخوردار گشت. البته در عین رسمی بودن زبان فارسی، مردم به زبان ترکی آذربایجانی نیز با یکدیگر ارتباط می‌گرفتند (سیوری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲). به واسطه قدرت سیاسی و نظامی صفویه، زبان فارسی توانست در خارج از ایران نیز توسعه یابد. این توسعه را می‌توان در مراودات مردم هند و ایران مشاهده کرد. حتی هندوها به سرعت با زبان فارسی ارتباط برقرار کرده و بعضاً با آن گفتگو می‌کردند (یکتایی، ۱۳۵۳، ص ۱۶۴). پیتر دل‌واله<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌نویسان در دوره صفویان، جایگاه زبان فارسی را چنین توصیف می‌کند؛ «زبان فارسی، زبان اصلی کشور است و مردم و گروه‌ها سخت به آن تعصب دارند. زبان فارسی به‌عنوان زبان اصلی کشور چنان مورد احترام است و چنان تعصبی نسبت به آن اعمال می‌شود که نه تنها در کلیه نوشته‌جات و کتاب‌های جالب، به‌خصوص دیوان‌های شعر، بلکه برای تمام قراردادها و نوشته‌جات رسمی و فرامین و احکام ارسالی شاه و بالاخره تمام امور مهمه کشوری و دولتی از زبان فارسی استفاده می‌کنند» (دل‌واله، ۱۳۷۰، ص ۵۲۲).

برقراری ارتباطات داخلی یکسان تحت سیطره زبان فارسی، توسعه ارتباطات بین‌المللی با دیگر ملت‌های همسایه، ایجاد زبان اداری یکپارچه از تأثیرات این عنصر نظام ارتباطی صفویه است.

## ۵-۲-۲. هنر

هنر، یکی از سریع‌ترین و در عین حال دقیق‌ترین کانال‌های ارتباطی برای رساندن پیام به مخاطب است. در اصل این ارسال پیام است که هنرمند را به خلق آثار هنری وامی‌دارد. و «خلق اثر» خود یک عمل ارتباطی است. تولید پیام توسط هنرمند و ارسال آن از کانال اثر هنری. این مؤلفه نظام ارتباطاتی در عصر صفویه دوران درخشانی را طی

1. Pietro Della Valle

کرد. هنر ایران در این دوره در عرصه‌های معماری، نگارگری، خوشنویسی، قالی‌بافی، فلزکاری، سفالگری، پارچه‌آرایی و ... خود را نشان می‌دهد. کمال‌الدین بهزاد، رضا عباسی، میرعماد، آقامیرک و حسین بنا اصفهانی از هنرمندان بنام صفوی هستند. در این دوره در همه رشته‌های هنری، آثار قابل ستایشی تولید شد. مسجد شیخ لطف‌الله و مدرسه چهارباغ در کنار دیگر هنرهایی چون خوشنویسی و نگارگری، معماری‌های هنری با شهرت جهانی هستند. قالی اردبیل هم که اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود یکی از آثار درخشان این دوره است. شهرهای مهم هنرپرور در عصر صفویان، اصفهان، تبریز، هرات و قزوین بوده‌اند (غفاری‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۳۳۶).

اثر هنری اگر از سمت مخاطب دریافت نشود، اساساً ماندگار نخواهد شد (لسینگ، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲). همین مسئله، ارتباطی بودن هنر را می‌رساند. آثار هنری در زمان صفویه به‌طور کل پیش از بازتولید مکانیکی<sup>۱</sup> آن به قول بنیامین<sup>۲</sup>، از هاله هنری خاصی برخوردار بودند که مخاطب را بیشتر جلب می‌کردند. ماندگاری آثار هنری زمان صفویه به‌ویژه بناهایی که منطبق بر هنر معماری ساخته شده‌اند نشان از توجه مخاطب به این آثار است. هنرمندان صفویه توانستند به خوبی پیام هنری خود را به مخاطب فرستاده و موجب ماندگاری آثار خویش شوند. هنر به‌طور قطع، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام ارتباطی در زمان صفویه است.

### ۵-۲-۳. پست و چاپار

پست به‌عنوان یکی از ابزار ارتباطاتی، تاریخی طولانی در ایران زمین دارد. این تاریخ شاید به زمان هخامنشیان در حدود سه هزار سال پیش برسد (گزنفون، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵). سیستم پست و چاپارخانه‌های ایران در آن زمان اینگونه توصیف شده‌اند: «اسب‌ها و مردهایی در مسیر سفر ایستاده و هر کدام یک روز بدون وقفه طی می‌کنند. آن‌ها را

1. Mechanical Reproduction  
 2. Walter Benjamin

برف، باران، گرما و تاریکی متوقف نمی کند تا مأموریت خود را با سرعت تمام انجام دهند» (Herodotus, 1930, vol. 8, p. 96).

«ابتدا پیادگان و سپس سواران، وظیفه انتقال را به عهده داشتند. پیوسته در ایستگاه‌ها اسب‌های تازه نفس نگهداری می شدند. به گونه‌ای که چاپار می توانست به سرعت براه خویش ادامه دهد. این اصل کلی پست تا اختراع راه آهن باقی بود. راه‌ها به وسیله سنگ‌های مخصوصی جزءبندی شده بودند که به پارسی فرسنگ نامیده می شدند» (نوری آزاد، ۱۳۹۲، ص ۳). با توجه به محدودیت‌های تکنولوژیکی آن روزها، این میزان از برنامه‌ریزی ارتباطی تحت عنوان پست و پیام‌رسان، امری ویژه تلقی می شود. اگر اکنون با پیام‌رسان‌های دیجیتال و اپلیکیشن‌های تلفن‌های همراه، پیام‌ها به یکدیگر منتقل می شود، آن زمان پایه‌های ارتباط پس از ارتباطات شفاهی و رودررو در پست و چاپار، تبلور پیدا کرد. شاه اسماعیل صفوی برای امر خبر و خبررسانی نیز دست به تأسیس نهادهایی با عنوان کبوترخانه زد. کبوترخانه‌ها متشکل از مرغان نامه‌بر و افرادی برای مراقبت و کنترل این مرغان بود (نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۳۷). انتقال خبرها و پیام‌ها توسط تربیت افرادی به نام خبررسان، بعدها توسط شاهان دیگر صفوی تقویت شد. گروهی از این خبررسان‌ها که شاید نسل آغازین خبرنگاران امروز باشند، وظیفه ابلاغ دستورها به حاکمان ولایت‌ها را از مرکز بر عهده داشتند. گروهی اخبار مهم ولایت‌ها را با سرعت تمام به مرکز می‌رساندند و گروه دیگر به کسب خبر و جاسوسی در جنگ‌ها اشتغال داشتند و در میدان جنگ نقش راهنما را بر عهده داشتند (نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

کاری که اکنون پست‌ها و رسانه‌های جمعی با دراختیار داشتن فناوری و صنعت انجام می دهند، آن زمان با سیستم ارتباطی پست و چاپار، کبوترخانه و خبررسان‌ها انجام می شد. به نظر می‌رسد که صفویان توانسته بودند بخش عمده از نظام ارتباطی خویش را با این طراحی‌ها به پیش ببرند.

#### ۵-۲-۴. ارتباطات سیاسی

ارتباطات سیاسی یک فرایند دوسویه میان رهبران سیاسی و شهروندان است. رهبران

سیاسی از طریق رسانه‌های جمعی در این فرایند تحت کنترل شهروندان قرار می‌گیرند و شهروندان نیز از مسیر کانال‌های ارتباطی، اطلاعات لازم برای تأمین نیازهای خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند (علوی، ۱۳۸۶، ص ۳).

دولت صفویه توانست از کانال ارتباطات سیاسی، نقش بسزایی در تشکیل نظام ارتباطاتی زمان خود داشته باشد. موارد زیر بخشی از این اقدامات است؛

- با تأسیس دولت صفوی در ایران در ۱۵۰۱م سیاست خارجه ایران با همسایگان خود به ویژه با دولت‌های اروپایی وارد مرحله جدیدی شد.

- برای مثال در نامه‌ای که شاه اسماعیل به شارلکن پادشاه مقتدر اسپانیا نوشت، از پادشاه اسپانیا درخواست داشت تا به صورت همزمان از غرب و شرق به متصرفات عثمانی بتازند.

- شاه‌عباس علاقه بسیاری به رابرت شرلی و برادرش آنتونی شرلی پیدا کرد و این موضوع باعث شد تا آنتونی شرلی را به سفارت خود انتخاب و به همراه حسینعلی بیگ به اروپا اعزام کند.

- در سال ۹۲۹ق و در دوره شاه‌اسماعیل، نخستین تماس بین ایران و آلمان برقرار شد.

- شاه‌عباس در سیاست خارجی متوجه شد که به تنهایی قادر نیست همزمان با عثمانی و ازبکان جنگ کند؛ لذا به جانب مغول‌ها علیه ازبکان و به طرف روس‌ها در مقابل عثمانی رفت (یعقوب‌زاده، ۱۳۹۴، صص ۶۰-۷۰).

ارتباطات سیاسی که خود بخش معظمی از انواع ارتباطات است، یکی دیگر از ارکان نظام ارتباطاتی صفویان است. ارتباطاتی که مبتنی بر کنش‌های سیاسی، نقش انتقال پیام‌ها سیاسی را بر عهده داشته است. البته ماهیت این پیام‌ها سیاسی بود اما می‌تواند حامل پیام‌های اجتماعی، اقتصادی و ... نیز باشد.

### ۳-۵. عناصر ارتباطی مرتبط به مکان

#### ۱-۳-۵. شهر و راه‌های ارتباطی

راه یک بستر ارتباط فیزیکی است که برای انتقال اشخاص یا وسایل نقلیه استفاده

می شود اما همین بستر، به تقویت ارتباطات انسانی و جمعی کمک می کند. پس می توان راه‌ها را به عنوان بخشی از نظام ارتباطاتی در عصر صفویه تعریف کرد. اهتمام صفویان به راه‌ها بسیار دیده می شود. شاه عباس صفوی راه‌ها را بسیار گسترش داد و آن‌ها را در آن زمان سنگ فرش کرد. «شاه عباس به میرزا تقی خان، وزیر مازندران حکم کرد که از ابتدای حدود سوادکوه پل‌های عالی روی رودهای بزرگ ببندد و تمام راه را با سنگ و گچ و آجر بسازد و خیابان‌های پهنی احداث کند و در دو طرف خیابان درخت غرس نماید تا معبر قوافل و عابرین، با وسعت و صفا شود. تمام مخارج راه را شاه عباس خود محتمل شد و این راه در سال ۱۰۳۱ هجری به اتمام رسید» (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷، ص ۱۰۲).

راه، اساساً برای رسیدن انسان‌ها به یکدیگر و به مکان‌های دیگر است. این رسیدن مساوی است با انتقال پیام. پیام‌هایی که می تواند شامل اخبار و احوال روزانه باشد و یا در خود تحلیل‌ها جدی تری را در مورد اوضاع سیاسی، فرهنگی و ... مبادی و مقاصد مسافران داشته باشد.

شهر، به مثابه پایه‌های تمدن مدرن و پیشرفته در زمان صفویه نیز وجود داشت. مردم در شهر با یکدیگر ارتباط دارند و شهر محل بروز و ظهور اجتماعی آن‌ها است. شهر می تواند از ساختمان و همه آبنی‌اش گرفته تا رهگذران آن، حامل پیام باشند. شهرسازی یکی دیگر از ابعاد مهم نظام ارتباطی است که در دوران صفوی توسعه پیدا کرد. در سبک معماری آن دوره مخصوصاً در اصفهان، رابطه انسان با خدا، انسان با انسان و انسان با طبیعت مورد توجه خاص قرار می گیرد (مهجور، ۱۳۷۸، ص ۶۵). نمونه جامعی از ارتباطات محوربودن شهرسازی صفویه را می توان در میدان نقش جهان اصفهان ملاحظه کرد. ارتباط انسان با محیط را می توان در عناصری مانند: آب و گیاه در این میدان دید، ارتباط انسان با انسان را در برگزاری اجتماعات در این میدان می توان نظاره کرد، و ارتباط با خدا را در مسجد ساخته شده در میدان خواهیم دید. از طرف دیگر ارتباطات سیاسی را در بنای عالی قاپو می بینیم و ارتباطات اقتصادی را در بازار میدان.

### ۵-۳-۲. مساجد

مسجد، یکی از مهم‌ترین مکان‌های دریاف پیام الهی و ارسال پیام بندگی در ساحت ارتباطات انسان با خداست. از طرف دیگر ارتباطات انسان با انسان و ارتباطات جمعی در مسجد به شدت وجود دارد. انسان‌ها در اعمال مشترکی مانند نماز و مناسک جمعی در کنار یکدیگر علاوه بر تقویت ارتباط خود با خدا، ارتباطات انسانی خویش را نیز توسعه می‌دهند. از جهت دیگر، مسجد قوی‌ترین رسانه جامعه اسلامی برای فرهنگ‌سازی و ارسال پیام حاکمیت است. دولت‌ها و حاکمیت‌ها در جامعه اسلامی از طریق مسجد، مردم را در معرض شنیدن و دریافت پیام‌های خود قرار می‌دهند. همه موارد فوق، مسجد را اساساً به مثابه رسانه معرفی می‌کند. «ندای الصلاه جماعه در عهد پیامبر ﷺ و دوران پس از آن یک فراخوان عمومی برای گردهم آوردن مسلمانان در مسجد و آگاهی از یک امر مهم به هنگام اقامه نماز جماعت بوده است. پس از تشریح اذان مردم در غیر اوقات نماز نیز با بانگ مؤذن به مسجد می‌آمدند. سوق دادن مسلمانان به سمت هنجارها و گرایش‌های مورد نظر نیز در مساجد صورت می‌پذیرفته است؛ پیامبر ﷺ و جانشینانش در مسجد مردم را برای حضور در جنگ و جهادها برمی‌انگیخته‌اند و خطیبان جمعه نیز که سخن‌گویان حکومت بوده از همین طریق و در فضای مسجد خواسته‌های حکومت را مطرح می‌کرده و افکار مردم را با این خواسته‌ها همسو می‌ساخته‌اند» (الویری، ۱۳۸۶، ص ۹۸). فارغ از اینکه اجزای مسجد مانند نماز، منبر، خطابه، اذان و ... خود به تنهایی یک رسانه و ابزار رسانه‌ای قوی هستند. این رسانه‌ها به قدری قدرت‌مند عمل می‌کنند که حتی در دوران کنونی که فناوری‌های رسانه‌های جمعی در اوج پیشرفت قرار دارند، باز هم منبر و مسجد از جایگاه خود بر خوردارند و حتی رسانه‌های جمعی، آن‌ها را منعکس می‌کنند.

توجه به مساجد در عصر صفوی قابل ستایش است (نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۴۳). این مساجد بعضاً چنان پرکار می‌شد که مدرسه را نیز درون خود جای می‌داد و آن را مسجد-مدرسه می‌نامیدند. مسجد جامع بزرگ فرح‌آباد ساری یکی از نخستین مسجد-مدرسه‌ها در ایران است که در دوره صفوی بنا شد. در این بنا، جبهه سمت قبله به فضای اصلی



مسجد یعنی گنبدخانه و شبستان، و سه جبهه دیگر به حجره‌های طلاب اختصاص یافته است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

معماری مساجد نیز در عصر صفوی حاوی پیام بود. معماری اسلامی مساجد صفوی یگانگی خدا و توحید را منعکس می‌کرد و این پیام را به نگاه مخاطبان گره می‌زد (دباغ، ۱۳۹۴، ص ۱۷۰).

### ۵-۳-۳. زیارتگاه‌ها

زیارت، یکی از مهم‌ترین مناسک‌های شیعی، مجموعه‌ای از کنش‌ها و بینش‌هاست که اندیشه و عمل زائر را در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند (حاج علی اکبری، ۱۳۸۸، ص ۵). زیارت اساساً یک عمل ارتباطی است و پیام را از انسان به خدا منتقل می‌کند و البته پیام اصلی را از خدا و امام علیه السلام و زیارتگاه به انسان. در کنار این تبادل ارتباطی، نفس ارتباطات انسانی جمعی نیز در زیارتگاه تقویت می‌شود.

صفویان به امر زیارت توجه فراوانی داشتند و این توجه از زیارت شاهان تا هدایا به زیارتگاه‌ها را شامل می‌شد. این توجه به حدی بود که توسعه و ارتقای کمی و کیفی حرم‌ها یکی از رسم‌های درباریان شده بود. کوچک‌ترین خواهر شاه طهماسب در سفر به مشهد، علاوه بر اینکه علما و سادات مشهد را تکریم کرد، پنجره طلا را نیز سامان بخشید (الحسینی القمی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۹). شاه عباس صفوی در دوران حکومت خود بارها به مشهد رفت. زیارت مکرر پادشاه، امر زیارت را در جامعه به طرز شدیدی نهادینه کرد. او حتی تمام جواهر و نقره آلات خود را برای نجف، حرم امیر المومنین علیه السلام وقف کرد (شاملو، ۱۳۷۱، ص ۹۴).

از طرف دیگر با تأسیس دولت صفوی و برقراری ثبات و امنیت، شیعیان دوازده امامی در قالب کاروان‌های پر تعداد، زیارت مشهد متبرک را از سر گرفتند (ایزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲). و این امر موجب تقویت ارتباطات فرهنگی در میان ایرانیان درباره خود و مردمان دیگر کشورها شد.

### ۵-۳-۴. کاروان‌سراها

کاروان‌سرا، یکی از مهم‌ترین مکان‌های تشکیل ارتباطات انسانی در گذشته بوده است. شاید در ابتدای امر کاروان‌سرا محلی برای استراحت کاروان‌ها در مسافرت‌ها بنظر برسد اما این، همه‌ی کارکرد کاروان‌سرا نیست. کاروان‌سرا یک کانال ارتباطی میان گروه‌های مردم و فرهنگ عامه بوده است. تبادلات علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اطلاعات روزمره در کاروان‌سراها رخ می‌داد.

دوره صفویه عصر طلایی کاروان‌سراهاست. حدود ۱۴۰ عدد کاروان‌سرا را متعلق به این دوران می‌دانند. کاروان‌سراهایی که بعضی از آن‌ها متأثر از نام شاه عباس، رباط شاه عباسی شناخته می‌شوند (نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۳۷) سفرنامه نویسانی مانند شاردن این گونه توصیف کرده‌اند که کاروان‌سراها را می‌شود در اقصی نقاط قلمرو صفویان دید و امکانات رفاهی رایگان و کافی در آن‌ها وجود دارد (شاردن، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۱۷۱). تعمیر کاروان‌سراها و احیای کاروان‌سراهای مخروبه یکی دیگر از کارهای صفویه بود (کیانی و کلایس، ۱۳۴۷، ص ۲). به نظر می‌رسد حتی حاکمان صفویه هم به ارتباطی بودن و حاوی پیام‌بودن کاروان‌سراها دقت داشتند؛ زیرا گویی در طراحی آن‌ها یک نظم و طرح کلان را دنبال می‌کردند. براند می‌گوید: «پلان‌های کاروان‌سرا در دوران صفوی می‌تواند نشانه‌ای از فعالیت‌هایی که مشخصاً در دیگر نواحی صفوی دنبال نمی‌شده است تعبیر شود، یعنی استفاده از طراحی صوری مانند مساجد ایالتی عثمانی، چنانچه به مثابه سنت معمول، شاه عباس اول بیشتر آنها را ساخته بود. وجود نوعی دفتر مرکزی که کار را هماهنگ کند و در آن گونه‌های استاندارد کاروان‌سرا استنتاج شوند، کاملاً ممکن می‌نمود» (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۴۳۲).

### ۵-۳-۵. قهوه‌خانه‌ها

قهوه‌خانه، یکی از مهم‌ترین مکان‌های برقراری ارتباطات انسانی بوده و هست. «آن چه هواخواهان و مشتریان زیادی برای قهوه‌خانه‌ها دست و پا می‌کرد، کارکرد ارتباطی و تفریحی قهوه‌خانه بود. تقریباً همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی به قهوه‌خانه‌های مخصوص خود می‌رفتند و در دیدارها و گفت‌وگوهای دو نفره یا چند نفره، نه فقط از

حال و روز یکدیگر با خبر می شدند، بلکه اخبار محله، شهر و مملکت را نیز دهان به دهان می چرخاندند و به اطلاع هم می رساندند» (شهری، ۱۳۷۸، ص ۴۰۱). قهوه‌خانه یکی از بهترین و لذت بخش ترین پاتوق‌ها در سراسر جهان بوده است. قهوه‌خانه‌ها که اصولاً تجمع افراد کف جامعه و به خصوص کارگران در آن‌ها شکل می گرفت (مدرسی، ۱۳۷۵، ص ۲۵) دارای جذابیت‌های زیادی همچون: نقالی، شعرخوانی، آوازخوانی، شاهنامه خوانی و ... بود که موجب جمع شدن مردم در کنار یکدیگر می شود.

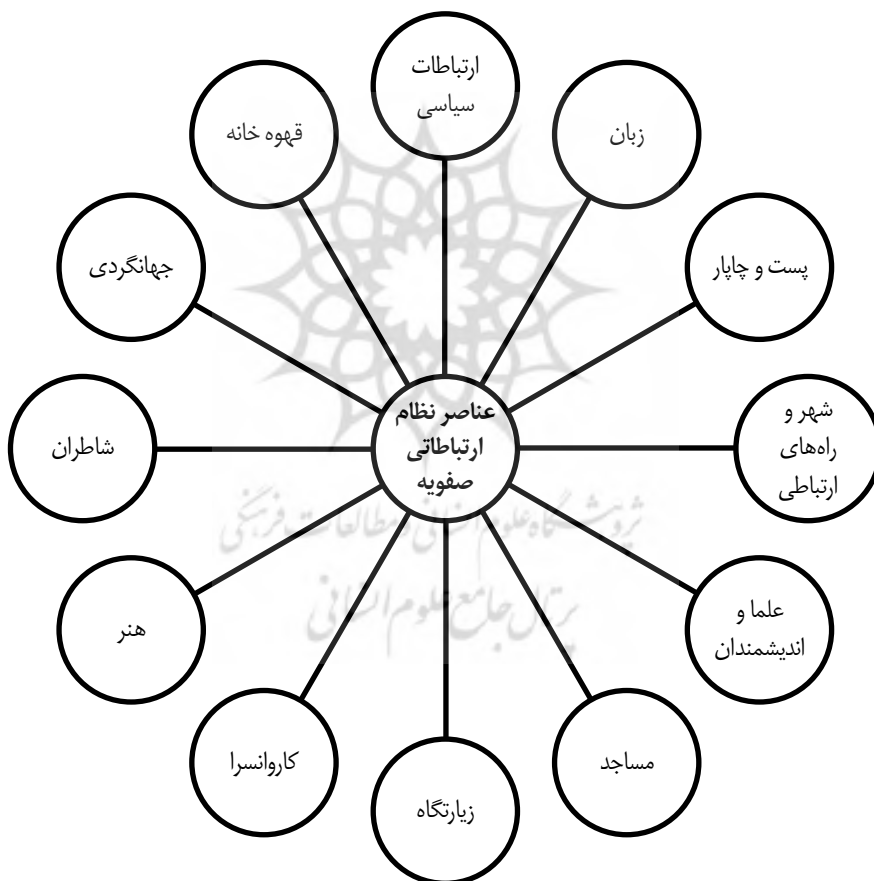
همین کارکردهای گسترده موجب شده تا برخی پژوهشگران به این باور برسند که قهوه‌خانه تا حدود زیادی نقش «حوزه عمومی» را بازی می کرد. یعنی همان چیزی که به گفته هابرماس در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی، کافه‌ها و تریاهای اروپا برعهده داشتند (فرقانی، ۱۳۸۷، ص ۹۶). کمپفر در سفرنامه خود می نویسد: «کنار برآمده نهر و حوض‌ها را قهوه‌چی‌ها با حصیر و قالی فرش کرده‌اند. بر روی این فرش‌ها مردم فارغ بال می‌نشینند تا در حین کشیدن قلیان و صرف نوشیدنی، شاهد نمایش و هنر نمایش شعرا، گویندگان و نقالان باشند و به بهترین و مطبوع ترین وجه وقت بگذارند» (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵).

حوزه عمومی در واقع عرصه‌ای است که بحث و گفتگو و استدلال منطقی برای رسیدن به یک تفاهم و توافق ارتباطی و اخلاقی انجام می شود (هابرماس، ۱۳۹۲، ص ۹۰). در قهوه‌خانه‌ها این حوزه عمومی که پایه نگاه ارتباطاتی هابرماس است، شکل می گرفت و افراد فارغ از کسب و کار روزانه و استیلائی قدرت دیگران، به گفتگوی آزاد می پرداختند. این مؤلفه ارتباطی، یکی از پر قدرت مندترین و عمومی ترین عناصر نظام ارتباطی صفویه را به خود اختصاص می داد.

### نتیجه گیری

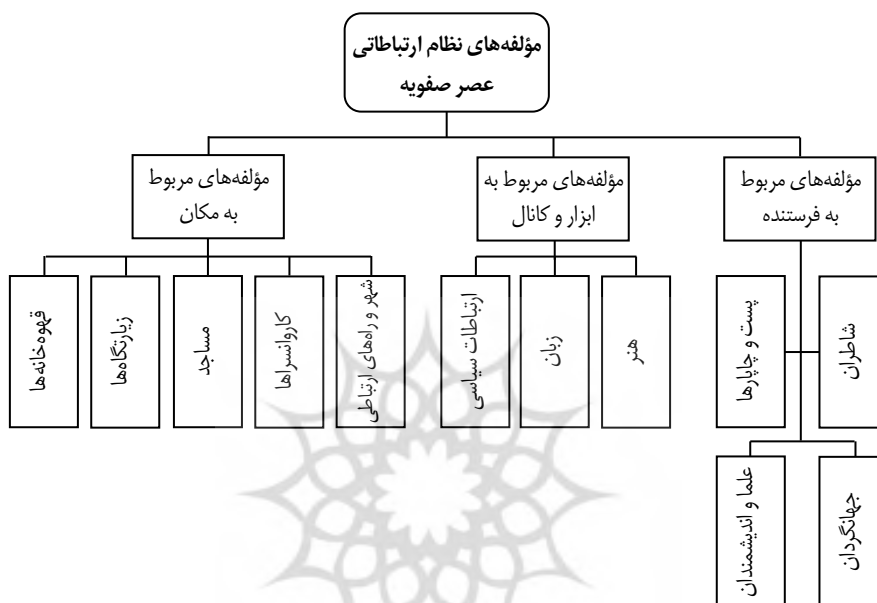
با توجه به توسعه و پیشرفت علمی، زیرساختی و تعاملاتی در زمان صفویه، مدل جدیدی از نظام ارتباطاتی براساس حل مسائل ارتباطی حاکمیت ایجاد شد. بدین معنا که نظام ارتباطاتی و جریان اطلاعاتی در این دوره به واسطه تغییرات بنیادین در ساختارها، تقویت نهادهای مذهبی و فرهنگی، حمایت از هنر اسلامی و ترویج زبان فارسی، شکل جدیدی

به خود گرفت و توانست در توسعه هژمونی فرهنگی و سیاسی صفویان اثرگذار باشد. ابتدایی‌ترین تحولات نظام ارتباطاتی که در این دوره شکل گرفت، توسعه ارتباطات انسانی و افزایش همبستگی اجتماعی در جامعه ایرانی و شیفت الگوی ارتباطاتی از حالت روابط بسته درون‌گرا به روابط بیرون‌گرا و بین‌المللی بوده است. در واقع کارکرد سیستمی عناصر اصلی الگوی ارتباطی عهد صفویه، نقش اصلی در همراهی مذهب شیعه اثنی‌اشعری با حکومت و ارتباط با همسایگان در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته است. نمای کلی این عناصر که هر کدام کارکرد ارتباطی خاص خود را داشته در شکل زیر آمده است:



عناصر اصلی نظام ارتباطات زمان صفویه

این عناصر دوازده گانه را می توان ذیل سه مؤلفه اصلی: فرستنده، ابزار و کانال های ارتباطی و مکان های ارتباطی، در عهد صفوی سروسامان داد.



## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۷ق). لسان العرب (ج ۱۲). قم: انتشارات دار الصدر.
۲. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۱۲ق). تهذیب اللغه (چاپ چهاردهم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ایزدی، حسین. (۱۳۹۱). شاهان صفوی و زیارت. فصلنامه علمی و پژوهشی شیعه‌شناسی، ۱۰(۳۹)، صص ۱۳۱-۱۵۲.
۴. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۵۷). سیاست و اقتصاد در عصر صفوی. تهران: امیرکبیر.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۲۶ق). الصحاح (چاپ پنجم). بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین.
۶. حاج علی اکبری، محمدجواد. (۱۳۸۸). بوی سبب. تهران: نشر سلسبیل.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (چاپ هشتم). تهران: سمت.
۸. الحسینی القمی، احمد بن شرف الدین. (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ (مصحح: احسان اشراقی). تهران: دانشگاه تهران.
۹. حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی محقق کرکی. قم: پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. دلاواله، پیتر و. (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر و دلاواله (مترجم: شعاع الدین شفا). تهران: نشر علمی فرهنگی.
۱۱. دانش‌پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵). بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی. اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. دباغ، امیرمسعود؛ رهبر، شادی. (۱۳۹۴). تبلور مفاهیم شیعی در شکل‌گیری مساجد دوران صفویه و قاجار. نشریه شیعه‌شناسی، ۱۳(۵۲)، صص ۱۶۷-۱۹۰.

۱۳. رضائیان، علی. (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. رفیع فر، جلال الدین؛ لر افشار، احسان. (۱۳۸۲). بررسی انسان شناختی کاروان سراهای عصر صفوی. نامه انسان شناسی، شماره ۴، صص ۳۷-۶۰.
۱۵. سلطانزاده، حسین. (۱۳۷۸). مسجد مدرسه های تهران. نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۲۸، صص ۵۳-۶۴.
۱۶. سیوری، راجر. (۱۳۷۸). ایران عصر صفوی. تهران: نشر مرکز.
۱۷. شاردن، ژان. (۱۳۵۰). دایره المعارف تمدن ایران: سیاحت نامه شاردن (مترجم: محمد عباسی). تهران: امیرکبیر.
۱۸. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی. (۱۳۷۱). قصص الخاقانی (مترجم: سیدحسن سادات نادری). تهران: وزارت ارشاد.
۱۹. شهری، جعفر. (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۰. شیخزاده، محمد؛ بنی اسد، رضا. (۱۳۹۹). تحلیل مضمون مفاهیم رویکردها و کاربردها. تهران: لوگوس.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (نسخه الکترونیکی، ج ۶). انتشارات مرتضوی.
۲۲. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۳). بنیادهای علم سیاست (چاپ دوازدهم). تهران: نشر نی.
۲۳. علوی، پرویز. (۱۳۸۶). ارتباطات سیاسی. تهران: نشر علوم نوین.
۲۴. عمید، حسن. (۱۳۹۳). فرهنگ عمید. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۵. علی بابایی، زکیه. (۱۳۸۸). بررسی نهادهای آموزشی دوره صفویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور.
۲۶. غفاری فرد، عباسقلی. (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه. تهران: سازمان سمت.
۲۷. فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۹۵). مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی (چاپ سوم). تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).

۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۵ق). کتاب العین (نسخه الکترونیکی، ج ۸). قم: انتشارات نشر هجرت.
۲۹. فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۸۷). درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۰. کروی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی نقش ارتباطات انسانی در توسعه صنعت جهانگردی. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۳)، صص ۱۰۱-۱۳۰.
۳۱. کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر (مترجم: کیکاووس جهانداری). تهران: خوارزمی.
۳۲. کیانی، محمد یوسف؛ ولفرام، کلایس. (۱۳۴۷). کاروان‌سراهای ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۳۳. کوئن، بروس. (۱۳۷۰). درآمدی به جامعه‌شناسی (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: فرهنگ معاصر.
۳۴. گزنفون. (۱۳۷۵). زندگی کوروش (ترتیب کوروش) (مترجم: ابوالحسن تهامی). تهران: نشر نگاه.
۳۵. لسینگ، آلفرد؛ داتون، دنیس. (۱۳۸۹). آثار جعلی و تقلبی (مترجم: نیما ملک‌محمدی). تهران: فرهنگستان هنر.
۳۶. لیتون، رالف. (۱۳۸۸). سیر تمدن (مترجم: پرویز مرزبان). تهران: نشر علمی فرهنگی.
۳۷. محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۶). در حسرت فهم درست. تهران: سیمای شرق.
۳۸. مدرسی، جواد. (۱۳۷۵). نقاشی قهوه‌خانه: بررسی یک پارادوکس، آینه خیال، شماره ۱۰، صص ۲۲-۲۵.
۳۹. معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۷۱). وسایل ارتباط جمعی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی ع.
۴۰. مهجور، فیروز. (۱۳۷۸). ویژگی‌های شهرسازی در شهرهای دوره صفویه. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۶، صص ۶۵-۷۳.



۴۱. نوروزی، جمشید. (۱۳۹۱). تمدن ایران در دوره صفویه. تهران: نشر منادی تربیت.
۴۲. نوری آزاد، سعید. (۱۳۹۲مرداد). از فرستادگان ایزد تا پستیچی‌های مهربان. جام جم.
۴۳. الویری، محسن. (۱۳۸۶). مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار. نامه صادق، شماره ۳۱، صص ۹۳-۱۰۹.
۴۴. هابرماس، یورگن. (۱۳۹۲). نظریه کنش ارتباطی (مترجم: کمال پولادی). تهران: نشر مرکز.
۴۵. هیلن براند، رابرت. (۱۳۷۷). معماری اسلامی (مترجم: ایرج اعتصام). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۴۶. یعقوب‌زاده، امید. (۱۳۹۴/۰۷/۲۹). سیاست خارجی در دولت صفویه. روزنامه آفتاب یزد.
۴۷. یکتایی، مجید. (۱۳۵۳). نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی در سرزمین هند و پاکستان. تهران: اقبال.

48. Ackoff, R. L. (2000). *From mechanistic to social systemic thinking*. Cambridge, MA: Pegasus Communications Inc.
49. Herodotus. (1930). *With an English translation by A.D. Godley*, vol. 4, book 8, verse 98.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

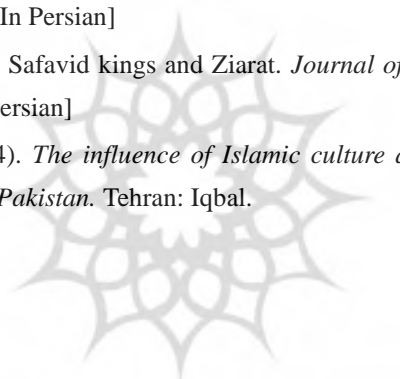
## References

1. Ackoff, R.L. (2000). *From mechanistic to social systemic thinking*. Cambridge, MA: Pegasus Communications Inc.
2. Alam, A. (2004). *Foundations of politics* (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
3. Alavi, P. (2007). *Political communication*. Tehran: Nashr Olum Novin. [In Persian]
4. Al-Hosseini al-Qomi, A. (2004). *Khulasa of Al-Tawarikh* (E. Eshraghi, Ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
5. Ali Babaei, Z. (2009). *Studying the educational institutions of the Safavid period*. Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities, Payam Noor University. [In Persian]
6. Alviri, M. (2007). Mosque, communication and sustainable development. *Nameh Sadiq*, 31, pp. 93-109. [In Persian]
7. Amid, H. (2014). *Amid dictionary*. Tehran: International Publishing Company. [In Persian]
8. Azhari, M. (1991). *Tahzib al-Lugha* (14th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
9. Bastani Parisi, M. E. (1978). *Politics and economy in the Safavid era*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
10. Chardin, J. (1971). *Encyclopaedia of Iranian Civilization: Chardin's Travel Guide* (M. Abbasi, Trans.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
11. Coen, B. (1991). *An Introduction to Sociology* (M. Salasi). Tehran: Farhange Moaser. [In Persian]
12. Dabbagh, A. M., & Rahbar, Sh. (2015). A reflection of Shiite concepts in the formation of mosques during the Safavid and Qajar periods. *Journal of Shia Studies*, 13(52), pp. 167-190. [In Persian]
13. Daneshpajouh, M. (2006). *Review of travelogues of the Safavid period*. Isfahan: Publication of Isfahan University and Art Academy of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]

14. Delawale, P. (1991). *Pietro Delawale's travelogue* (Sh. Shafa, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publication. [In Persian]
15. Farahani Monfared, M. (2016). *The migration of Shiite scholars from Jebel Amal to Iran in the Safavid era* (3<sup>rd</sup> ed.). Tehran: International Publishing Company (affiliated with Islamic Propagation Organization). [In Persian]
16. Farahidi, Kh. (1994). *Kitab al-Ain* (electronic version, vol. 8). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
17. Furqani, M. M. (2008). *An introduction to traditional communication in Iran*. Tehran: Media Studies and Research Center. [In Persian]
18. Ghafarifard, A. (2002). *The history of Iran's political, social, economic and cultural developments during the Safavid period*. Tehran: Samt Organization. [In Persian]
19. Habermas, J. (2013). *The Theory of Communicative Action* (K. Pooladi, Trans.). Tehran: Nahr-e-Markaz. [In Persian]
20. Hafeznia, M. R. (2003). *An introduction to research methods in humanities* (8<sup>th</sup> ed.). Tehran: Samt. [In Persian]
21. Haj Ali Akbari, M. J. (2009). *The smell of apples*. Tehran: Salsabil Publications. [In Persian]
22. Herodotus. (1930). *With an English translation by A.D. Godley*, vol. 4, book 8, verse 98.
23. Hillenbrand, R. (1998). *Islamic architecture* (I. Etesam, Trans.). Tehran: Urban Planning and Processing Company. [In Persian]
24. Hosseinizadeh, S. M. A. (2001). *The political thought of Mohaghegh Karaki*. Qom: Research School of Islamic Political Thought, Center for Islamic Studies and Research, Office of Islamic Propagation of Qom Seminary. [In Persian]
25. Ibn Manzoor, M. (۱۹۸۶). *Lisan al-Arab* (Vol. 12). Qom: Dar al-Sadr Publications. [In Arabic]
26. Johari, I. (2005). *Al-Sahah* (5<sup>th</sup> ed.). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]

27. Kaempfer, E. (1984). *Kempfer's travelogue* (K. Jahandari, Trans.). Tehran: Kharazmi. [In Persian]
28. Karroubi, M. (2009). An examination of the role of human communication in the development of the tourism industry. *Iranian Management Sciences*, 4(13), pp. 101-130. [In Persian]
29. Kiani, M. Y., & Wolfram, C. (1968). *Iranian caravanserais*. Tehran: Organization of Cultural Heritage of Iran. [In Persian]
30. Lessing, A., & Dutton, D. (2010). *Fake and fake works* (N. Malekmohammadi, Trans.). Tehran: Art Academy. [In Persian]
31. Linton, R. (2009). *The path of civilization* (P. Marzban, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publication. [In Persian]
32. Mahjoor, F. (1999). Features of urban planning in Safavid period cities. *Journal of Geographical Researches*, 36, pp. 65-73. [In Persian]
33. Modaresi, J. (1996). Coffeehouse Painting: An examination of a Paradox, *Aeneh Khial*, 10, pp. 22-25.
34. Mohsenianrad, M. (2017). *Longing for correct understanding*. Tehran: Simaye Sharq. [In Persian]
35. Mutam Nejad, K. (1992). *Mass communication tools*. Tehran: Allameh Tabatabai University Press. [In Persian]
36. Nouri Azad, S. (2012). *From God's messengers to kind postmen*. Jame Jam. [In Persian]
37. Nowrozi, J. (2012). *Iranian civilization in the Safavid era*. Tehran: Monadi Tarbiat Publications. [In Persian]
38. Rafifar, J., & Lor Afshar, E. (2003). Anthropological study of Safavid era caravanserai. *Anthropology Letter*, 4, pp. 37-60. [In Persian]
39. Rezaian, A. (2005). *System analysis and design*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
40. Severy, R. (1999). *Iran in Safavid era*. Tehran: Markaz Publications. [In Persian]
41. Shahri, J. (1999). *Social history of Tehran in the 13th century*. Tehran: Rasa Cultural Services Institute. [In Persian]

42. Shamlu, V. (1992). *Al-Khaqani stories* (S. H, Sadat Naderi, Trans.). Tehran: Ministry of Guidance. [In Persian]
43. Sheikhzadeh, M., & Bani Asad, R. (2020). *Analyzing the content of concepts, approaches and applications*. Tehran: Logos. [In Persian]
44. Sultanzadeh, H. (1999). Mosque of Tehran schools. *Magazine Endowment of Eternal Heritage*, 28, pp. 53-64. [In Persian]
45. Tarihi, F. (1996). *Majma' al-Bahrain* (electronic version, vol. 6). Mortazavi Publications. [In Persian]
46. Xenophon. (1996). *The Life of Cyrus (The Education of Cyrus)* (A. Tahami, Trans.). Tehran: Negha Publications. [In Persian]
47. Yaqubzadeh, O. (2015). *Foreign policy in the Safavid government*. Aftab Yazd newspaper. [In Persian]
48. Yazidi, H. (2012). Safavid kings and Ziarat. *Journal of Shia Studies*, 10(39), pp. 131-152. [In Persian]
49. Yektayi, M. (1974). *The influence of Islamic culture and civilization in the land of India and Pakistan*. Tehran: Iqbal.


  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی